

واکاوی پیدایش نحله‌های فکری در عصر امام محمدباقر (ع)

¹ محمد دارینی

² معصومه سادات نظم

³ حسن شجاع بهار

تاریخ دریافت: 96/09/19

تاریخ پذیرش: 97/07/22

چکیده

واکاوی ریشه‌ها و علل پیدایش جریان‌های فکری در زمان ائمه (ع) به ویژه عصر امام باقر (ع) از اهمیت خاصی برخوردار است. در این نوشتار با تکیه بر اسناد تاریخی و تحلیل برخی از دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که زمینه‌ی به وجود آمدن این گونه افکار چگونه نشأت گرفته است؟ مسائلی چون اباحه گری، ناآگاهی، دنیاطلبی، اختلافات فرقه‌ای، تأثیر فراوان ادیان خارجی و افراط در محبت و غیره از جمله زمینه‌های به وجود آمدن تفکر غلات است. جهل و سکوت مردم و بی‌تفاوتی نخبگان و غیره از جمله علل پیدایش جنبش مرجئه و عواملی چون نارضایتی گروهی از وضعیت موجود، روحیه تمرد و تعصب‌های قبیله‌ای را می‌توان از جمله ریشه‌های پیدایش خوارج نام برد. در این میان نقش امام باقر (ع) در مبارزه با نحله‌های فکری موجود آن روز از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که ایشان با پاسخ دادن به شبهات دینی، مناظره با فرقه‌های منحرف و فاصله گرفتن از دخالت در امور سیاسی، خدمت بزرگی به اسلام نمودند و بدین شیوه از اصول و مبانی دین اسلام دفاع نموده و به نشر تعالیم احکام اسلام پرداختند و با بیانی روشن ماهیت آنان را افشا نموده و با قاطعیت آنان را از حوزه تشیع دور ساختند.

کلید واژه‌ها: نحله، غلات، مرجئه، خوارج، فرقه

¹ دانشجوی دکتری معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران mohammaddareni@yahoo.com

² دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

³ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مقدمه

در زمان ائمه اطهار(ع) گروه‌های بسیاری با عقاید و گرایش‌های مذهبی مختلف در جامعه پیدا شدند که این گروه‌ها با طرح عقاید انحرافی خویش در جامعه شیعی، بعضی از شیعیان را به خود جلب کردند و از این طریق ضربات زیادی به جامعه شیعی وارد ساختند.

این سؤال در ذهن متبادر می‌شود که حضور ائمه و دغدغه ایشان در هدایت گری انسان‌ها چگونه نحله‌های مختلف و افکار گوناگون در زمان آن بزرگواران به ویژه در عصر امام باقر(ع) شکل گرفت؟ این فرقه‌های انحرافی در طول تاریخ حضور ائمه، به‌خصوص در دوران امام باقر(ع) حضور پررنگی داشتند. شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی دوران امام محمدباقر(ع) اهمیت و حساسیت خاصی دارد و کمک می‌کند ضمن آگاهی از جو فکری و نوع تفکرات مطرح و قابل‌توجه در آن دوران، با مواضع امام در رویارویی با جریانات انحرافی و زمینه‌های بروز دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تابناک آن حضرت بیش از پیش آشنا شویم.

همچنین انحراف از سیره و روش زندگی پیشوایان دینی خطر بسیار جدی، قابل‌توجه و همیشگی است که لازم است، مورد توجه قرار گرفته و از راهکارهای مؤثر در برابر آن شناخت مسلک‌های فقهی و فرقه‌های مذهبی است و همین امر ضرورت ارائه این پژوهش را دو چندان می‌کند.

این نوشتار می‌کوشد علاوه بر بررسی جریان‌های فکری و مسلک‌های فقهی و تفسیری که در زمان امام باقر(ع) تشکیل یا گسترش یافت، به شیوه‌های امام باقر(ع) با این جریان‌ها بپردازد و از منظرهای مختلف علل پیدایش این جریان‌های فکری را مورد واکاوی قرار دهد.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که پدیده پیدایش جریان‌ها و مسلک‌های فکری در زمان ائمه، پدیده‌ای چندبعدی است که عوامل متعددی در شکل‌گیری و رشد این جریان‌ها نقش داشته‌اند، به نظر می‌رسد تمامی کسانی که بر یک عامل یا عوامل محدودی تکیه کرده‌اند، به خطا رفته‌اند.

در مقاله‌ی حاضر، تلاش شده با جستجوی دقیق منابع و همراه با ذکر شواهد متعدد، ریشه‌ها و علل این پدیده مورد واکاوی قرار گیرد.

اوضاع فرهنگی اجتماعی دوران امام محمدباقر(ع) در شکل‌گیری نحله‌های

فکری

حضرت امام باقر (ع) ماه رجب 57 هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشود. نامش محمد و کنیه اش ابو جعفر است و لقب مشهور آن بزرگوار باقر است که اشاره به مقام علمی آن حضرت دارد.¹ وی به لحاظ نسبت از ناحیه مادر به امام حسن مجتبی (ع) و از ناحیه پدر بزرگوارشان که علی بن الحسین (ع) می‌باشد، علوی و فاطمی می‌باشد. ایشان چهار سال از عمر خود را با امام حسین (ع) و 38 سال از عمرش را با پدرش علی بن الحسین گذرانده است. و در سال 94 هجری قمری پس از شهادت پدرش به امامت رسید و رهبری جامعه شیعیان را عهده دار گردید.²

دوران امام باقر (ع) با پنج خلیفه اموی معاصر بود، ولید بن عبدالملک (96-86 هـ.ق)، سلیمان بن عبدالملک (99-96 هـ.ق)، عمر بن عبدالعزیز (101-99 هـ.ق)، یزید بن عبدالملک (105-101 هـ.ق)، هشام بن عبدالملک (125-105 هـ.ق)³ و سرانجام امام باقر در 17 ذی الحجه سال 114 هجری قمری توسط هشام بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید و پیکر پاک و مطهر آن بزرگوار در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.⁴

از آنجا که دوره دوم امامت امام باقر (ع) (و دوره نخست امامت امام صادق علیه‌السلام) مصادف است با تبلیغات عباسیان و قیام‌های علویانی از جمله زید بن علی، یحیی بن زید، عبدالله بن امیه از نوادگان جعفر طیار و ظهور ابومسلم خراسانی در جایگاه سرپرست داعیان عباسی در خراسان و شوراندن مردم علیه علویان از سوی دیگر، امویان، اختلاف‌ها و مشکل‌های درون گروهی میان طرفداران خود داشتند؛ زیرا در قلمرو آنان در میان مضریان و یمینیان طرفداران بنی‌امیه درگیری شدیدی وجود داشت.

این شورش‌ها و گرفتاری‌ها سبب شد که امویان از شیعیان غافل شوند. از این رو، شیعه توانست نفس راحتی بکشد و از حالت تقیه شدید بیرون آید، تجدید سازمان کند و با رهبران خود ارتباط برقرار کند. در این دوره بود که مردم به سوی امام باقر سرازیر شدند و از نعمتی که سال‌ها از آن محروم بودند، بهره‌مند شدند. آن حضرت برای زنده نگه‌داشتن اهل بیت (ع) قیام کرد به ارشاد و هدایت مردم پرداخت و حلقه‌های درس مسجدالنبی تشکیل می‌داد، محل رجوع مردم بود و مشکلات علمی و فقهی آنان را حل می‌کرد و سخنش حجت بود.⁵

از آنجا که جامعه مورد بحث آن روز عمدتاً جامعه مدینه است که تحت تأثیر تحولات جامعه اسلامی اموی و پیامدهای آن بوده است. در طی این دوره که مدت نوزده سال مدت امامت امام باقر (ع) بوده است، فضائی بر جامعه حاکم بود که پر از مخاطره و تلاطم که در دوران پیشین به علت

آزار و شکنجه و اختناق چنین فرصتی برای امامان شیعه به وجود نیامده بود تا به صورت استدلالی دیدگاه آنان مطرح شود و در نتیجه این امر منجر به ایجاد انحرافات فکری گردیده بود. توضیح آن که خلفای اموی از یک سو با ظلم و استبداد بر مردم، جامعه را تحت تأثیر افکار قرار داده و از سوی دیگر، جامعه درگیر جریان‌های فکری و فلسفی بود که از یونان، هند و سرزمین‌های مفتوحه به درون جامعه اسلامی وارد می‌شد، که امام باقر(ع) در عصر امامت خویش توانست به چنین وضعیت نابسامان فرهنگی پایان بخشد.

نقش بی دلیل امام را در این حرکت اجتماعی و تغییر فرهنگی نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که ایشان گام اصلی و سهمی در راستای تبیین آراء شیعه که همان آراء ناب اسلام و نبی اکرم بوده است، برداشته است و جنبش عظیمی در میان علماء اسلام و به ویژه شیعه پدید آورد. و با جنبش خطر افکار آلوده و نظریات فرقه‌های منحرف متزلزل شد. و این حقیقتی است که علماء اهل سنت نظیر ابن مبارک، زهری، مالک و شافعی به آن اعتراف کرده اند.⁶

چگونگی اوج گیری مشرب‌های فکری در عصر امام باقر(ع)

اوج‌گیری فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام باقر(ع) از یک سو ضرورتی بود که در آن وضعیت، شیعیان بدان نیاز داشتند، و شکل‌گیری جریان‌های متعدد فقهی و حقوقی در میان مسلمانان به تعبیری در اوج فرقه‌گرایی مذهبی شیعه می‌باید هویت خویش را به‌خوبی تعیین بخشد. از سوی دیگر، هجوم اندیشه‌ها از مکاتب غیر اسلامی به دلیل باز شدن مرزهای کشورهای بزرگ و صاحب ادیان مختلف -چه به دلیل فتوحات و ارتباطات گسترده و چه به سبب جاذبه‌های دینی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و بازرگانی جهان اسلام و نیز تغییر خلفا و پیدایش فرقه‌ها، سراسر مصادف با حوادث و فتنه‌ها و مشرب‌های فکری و...- امام(ع) و همه نخبگان دینی و فرهنگی جامعه اسلامی را بر آن داشت که به اقدامات مختلف (اعم از ایجابی و سلبی) در جهت ایمن‌سازی جامعه همت گمارند.

امام(ع) در چنین فضایی باظرافت و بردباری و ژرف‌اندیشی برای هویت بخشی به شیعه و دفاع از اندیشه‌های اسلامی در برابر جریان‌های غیردینی، الحادی و التقاطی، نهضتی علمی و فرهنگی را بنیان نهاد.⁷

دوران امامت امام محمدباقر(ع) هم‌زمان با پیدایش مشرب‌های فقهی و اوج‌گیری نقل حدیث درباره تفسیر آیات قرآن، احادیث اخلاقی و روایات سیره نبوی است، لذا ازجمله علمای اهل سنت افرادی همچون هشام بن عروه، محمد بن شهاب زهری، مکحول و قتاده، به نقل احادیث می‌پرداختند

و فتوا می‌دادند. وابستگی عالمانی مانند زهری، ابراهیم نخعی، ابوزناد و رجاء بن حیات به دستگاه اموی که تأثیرپذیری آنان از آرای انحرافی، ضرورت احیاء سنت واقعی پیامبر را هرچه بیشتر کرد، لذا امام باقر (ع) در نامه‌ای سرگشاده به سعد بن عبدالملک از علماء بدانندیش زمانه شکایت کرد.⁸

از دیگر ویژگی‌های این دوران با توجه به شهرت علم فقه در میان محدثان این زمان می‌توان دریافت که علم فقه نزد علمای اهل حدیث و عثمانی مذهب که به تدریج به اهل سنت نامیده شدند، وارد مرحله تدوین شده و فروکش کردن تنش‌های سیاسی پس از حادثه کربلا و از میان رفتن این زیبر و یکپارچه شدن حاکمیت مروانیان، به‌ناچار بسیاری از علما را از صحنه سیاست دور کرد و به حوزه درس و حدیث کشاند، تا برای مردم نیز فتوا دهند.

و از سوی دیگر از آنجاکه عمر بن عبدالعزیز برای نخستین بار در سال 100 هجری خطاب به ابوبکر بن حزم فرمان تدوین احادیث صادر کرد، این خود بهترین گواه در شروع تکاپوی فرهنگی علمای بلاد در آغاز قرن دوم یعنی مقارن با دوران امامت امام باقر (ع) است. از همین رو بود که امام با نشر دیدگاه‌های فقهی اهل بیت در برابر انحرافات که در احادیث اهل سنت بود، موضع گرفت، زیرا آراء فقهی شیعه تا آن زمان به اذان، تقیه، نماز میت و... محدود بود و پس از آن مباحث تفسیر و اخلاق نیز گسترش پیدا کرد. (بدون شک جلوگیری از تدوین احادیث که به دستور خلیفه اول و دوم انجام گرفت از عوامل عمده انزوای فقه بود)

نقش امام محمد باقر (ع) در رونق بخشیدن به اصلاح شیوه‌های استنباط در

آموزه‌های دینی

گرچه برخی قواعد اجتهاد را امیرالمؤمنین (ع) بیان کرده است، اما دوران امامت امام باقر (ع) را باید نقطه عطفی برای استفاده دانشمندان اسلامی از محضر معادن علم الهی و چشمه‌های جوشان دانش و بینش وحیانی دانست. در این دوره بود که امام محمد باقر (ع) تلاش‌های گسترده‌ای در تبیین شیوه‌های صحیح استنباط احکام شرعی از منابع دینی نموده و بیش از پیش به اعتلاء و توانمندی فقه شیعه پرداخت.

امام باقر (ع) خود اجتهاد را بین دانشمندان اسلامی نهادینه کرد و با تدوین قواعد علم اصول و آموزش به شاگردان مکتب خویش گام مهم و اساسی در عرصه پیشبرد اهداف بلند اجتهاد برداشت. به گونه‌ای که امروز شیعه می‌تواند با سربلندی اذعان دارد که میراث دار دانش نبی مکرم اسلام و جانشینان برحق او در بهره‌گیری از منابع دینی در قالب اجتهاد در استنباط حکم شرعی می‌باشد.⁹

افزون بر روش های اجتهاد، امام باقر(ع) زمینه ای را فراهم کرد تا مرجعیت ائمه (ع) در مسائل فقهی و علمی احیا شود و لذا نه تنها افراد و گروه ها و توده مردم به امام روی آوردند، بلکه دانشمندانی چون قتاده بن وئامه، طاوس یمانی، عاصم بن عمر و بزرگان آن عصر هرگاه امام را می دیدند، از امام سؤال می کردند و پاسخ خود را دریافت می کردند. علاوه بر این که حضرت در کنار تفسیر فقه و توسعه و نشر دیگر علوم نظیر کلام، فلسفه، اخلاق و طب پرداخت. از باب نمونه، حضرت در زمینه دانش کلام ضمن اشاره به برخی از خطبه های امیر المؤمنین و صفات خدا به تبیین مباحث کلامی مورد اختلاف شیعه و سایر مذاهب اسلامی پرداخت. و در دو محور مهم اعتقادی یعنی توحید و امامت که در آن عصر معرکه آراء بود، با تکیه بر مبانی عقلی و نقلی دیدگاه های اسلام را بیان کرد و همچنین به تفسیر قرآن اهتمام زیادی داشت و روایات نقل شده از آن حضرت و شأن نزول آن ها زینت بخش کتاب های تفسیری است. وی کتابی در مورد تفسیر نوشت که زیاد بن منذر راوی آن بوده است.¹⁰

اقدامات ایجابی و سلبی امام باقر(ع) در مبارزه با شکل گیری نحله های فکری

نقش امام باقر (ع) در احیای مکتب تشیع که خود نماینده مکتب اهل بیت و از اولین بانیان نشر حدیث، فقه، تفسیر و سیره نبوی نیز بود، می کوشید تا نظرهای فقهی اهل بیت را اشاعه دهد و در عین حال موارد انحراف جریان های فکری مخالف را نیز نشان دهد، امام حتی از نظر بزرگ ترین علمای عصر خویش میزان تشخیص درست از نادرست شناخته شده بود و بسیار پیش می آمد که آنان عقاید خود را نزد حضرت عرضه می کردند و حضرت همچون رئیسی بر زیردستانش حاکم بود تا آنان را به شاهره هدایت رهنمون کند. علمای آن عصر نیز به ریاستش گردن نهاده و از او اطاعت می کردند.

از دیگر فعالیت های حضرت این بود که امام بر پایه کتاب و سنت استدلال می کرد و در برابر کسانی که به غیر از آن استناد می کردند، می ایستاد. از باب نمونه، مکحول به نقل از قیس روایت می کند از ابواسحاق درباره مسح بر خفین (چکمه) پرسیدم، در پاسخ گفت: مردم را می دیدم که بر خفین مسح می کردند، تا این که محمد بن علی (امام باقر(ع)) را دیدم که در این باره از او پرسیدم فرمود: امیر المؤمنین علی (ع) بر خفین مسح نمی کرد و کتاب خدا آن را تجویز نمی کرد. وی می گوید: من نیز از وقتی که این مسئله را از ابواسحاق شنیدم، دیگر چنین نکردم.¹¹

نه تنها امام باقر (ع) بلکه اصحاب حضرت نیز در برابر استدلال های ابوحنیفه در موضوعات فقهی ایستادگی می کرد، بدین جهت ایشان با رد استدلال های اصحاب قیاس در برابر سایر فرق اسلامی

منحرف نیز موضع انتقادی آشکاری داشتند. موضع‌گیری امام در برابر مرجئه بسیار قاطعانه بود، برخی از مرجئه افراتی ایمان حقیقی را تنها یک باور درونی می‌دانستند، بی‌آنکه برای عمل صالح نقشی قائل باشند، اما اشکال بزرگ مرجئه این بود که با دیدگاه و باور شیعه درمورد دشمنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) موافق نبودند و همه سلف را اگر با امیرالمؤمنین (ع) درافتاده باشند، بهشتی می‌شمردند.

امام باقر (ع) با اشاره به این فرقه فرمود: خداوند، مرجئه را از رحمت خود دور کن که آنان دشمنان ما در دنیا و آخرتند. امام صادق (ع) نیز با اینان همین‌گونه رفتار می‌کرد. ایشان می‌فرمود: مرجئان را باید به این دلیل لعن کرد که معتقدند کشدگان ما مؤمنند.¹²

برجسته‌ترین فعالیت امام باقر (ع) این بود که فقیهان، محدثان، مفسران و مسلک‌های بسیاری را پرداختند از آن جمله زراره بن متکلم و محدث، محمد بن مسلم بن ریحان فقیهی بزرگ و محدثی به نام که مشربی عرفانی داشت و نیز ابو سعیر البختری فقیه و مفسر و محدث که هر سه مورد اعتماد امام بودند.

نشر اسرائیلیات در عصر امام باقر (ع)

اهل کتاب تنها قوم بافرهنگ و کتاب در میان اقوام بدوی بودند و به همین دلیل پیش از اسلام نیز در میان آنان نفوذ فرهنگی داشتند و با استقرار اسلام در مدینه، به تدریج یهودیان را محدود می‌کرد تا آن‌که از جزیره العرب بیرونشان راند. تشابه میان فرهنگ اسلامی بافرهنگ یهودی با آنکه هر دو آیین الهی بودند، سبب شد تا برخی از منابع یهودی، آرام‌آرام در میان مسلمانان گسترش یابد این معارف که پس از مدتی اسرائیلیات نامیده شد، مطالبی را دربرمی‌گرفت که یهودیان بر اساس میراث خود بیان می‌داشتند. میراثی که شامل کتاب مقدس و دیگر روایات شفاهی انبیا گذشته و برخی از مباحث اعتقادی بود، زمانی که علم تفسیر شکل گرفت، بخشی از این اسرائیلیات درباره تاریخ انبیا به دست مسلمانان اقتباس شد و در شرح آیاتی از قرآن که درباره انبیا بود درج گردید، که امروزه در تفسیر مفصل طبری که کارش گردآوری اقوال موجود در ذیل هر آیه می‌باشد می‌توان مشاهده کرد. و هرروز اصطلاح اسرائیلیات شامل اخباری می‌شد که در متون یهودی وجود داشت در میان متون مسلمانان راه یافته بود. وجود کعب الاحبار در نزدیکی دستگاه خلافت در دوره خلیفه دوم نخستین شائبه‌های نشر اسرائیلیات را پدید آورده است. وی برخی از دیدگاه‌های خود را باتکیه بر اخبار یهودی مطرح می‌نمود که شماری از آن پذیرفته می‌شد و با پارهای از آن مخالفت می‌کرد.

وهب بن منبه از دیگر ارکان نشر اسرائیلیات در عصر امام باقر (ع) است. شگفت آنکه حدیثی از

قول رسول خدا (ص) نقل شد که فرموده است: ((حَدَّثَ وَأَعْنَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ))¹³

از دیگر اقدامات امامان از جمله امام باقر (ع) تکذیب احادیث دروغین یهودیان در مورد انبیای الهی است که موجب خدشه دار شدن چهره ملکوتی پیامبران خدا شده است. که به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

اول آنکه در موضوع مراجعه دو نفر نزد حضرت داود (ع) برای حل اختلاف خود که یکی مدعی بود، علاوه بر نود و نه گوسفندی که در اختیار داشت، گوسفند دیگری نیز مال اوست که صاحب یک رأس گوسفند که برادر وی بود، برای شکایت آمده بود، حضرت بدون شنیدن اظهارات نفر دوم چنین قضاوت می‌کند: "لقد ظلمک بالسؤال نعتک الی نعاچه" یعنی با خواستن گوسفند تو و افزودن آن بر گوسفندان خود، بر تو ستم روا داشته است. این در حالی است که روایات یهودیان به داستان داود و اوریا اشاره دارد یعنی داود پیامبر به دنبال کبوتری بر پشت بام می‌رود و مشرف به منزل اوریا بود، همسر او را می‌بیند و به او دل می‌بندد، سپس وی برای هدف خود اوریا را در صف مقدم جنگ قرار می‌دهد و او کشته می‌شود و آنگاه با همسر او ازدواج می‌کند، خداوند در این آیات داود را توبیخ می‌کند که چگونه با داشتن نود و نه همسر نگاهش در پی همسر دیگری است.¹⁴

بدون شک چنین وصفی از داود (ع) که از پیامبران الهی است به هیچ وجه با آموزه‌های قرآنی سازگار نیست و این گونه احادیث توسط شماری از یهودیان مسلمان شده نقل شده، در عصر نخستین اسلام رواج یافته است و در همان زمان مورد حمله امام علی (ع) قرار گرفته است.

دوم آنکه یهودیانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، می‌کوشیدند برتری بیت المقدس بر کعبه را به مسلمانان بقبولانند، تا آنجا که کعب الاحبار می‌گوید: کعبه هر صبحگاهان در برابر بیت المقدس سجد می‌کند، هنگامی که این سخن نزد امام باقر (ع) گفته شد، حضرت فرمودند: به نقل کننده این سخن و کعب الاحبار که هردو دروغ می‌گویند، درحالی که ایشان به شدت ناراحت بود، می‌فرمایند: ما خلق الله عزوجل بقعة فی الارض احب الیه منها "خداوند بقعه‌ای محبوب‌تر از کعبه نیافریده است."¹⁵

افزون بر اینکه بسیاری از اخباری که بعدها به عنوان علائم ظهور در منابع اسلامی منتشر شد، در اصل متعلق به یهودیان و همین کعب الاحبار بود و نیز برخی از پیشگویی‌های ساختگی به ایشان نسبت داده شده است.¹⁶

شکل‌گیری غلات شیعه در دوران امام باقر(ع)

در این دوره که عده‌ای فرصت‌طلب با سوءاستفاده از روایات امامان و نسبت دادن احادیث ساختگی غلو آمیز به ائمه (ع)، زمینه تفکر غلو را در جامعه گسترش دادند تا از وجاهت امامان و شیعیان برخوردار شده و با فریب دادن شیعیان ساده‌لوح به اهداف خود برسند.¹⁷

ریشه غلو و گزافه‌گویی را می‌توان در مسائل مختلف چون عوامل روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی جستجو نمود. حب افراطی، حس اسطوره‌سازی، جهالت و تعصبات کورکورانه از جمله عوامل روانی و فشارهای اجتماعی و تلاش برای رفع آن‌ها به عنوان عوامل اجتماعی و دشمنی با اهل بیت (ع) و اسلام به عنوان عامل سیاسی و دستیابی به حال و مقام دنیا و مقامات دنیوی به عنوان عوامل اقتصادی و اباحه‌گری، اختلافات فرقه‌ای و تأثیرات خارجی به عنوان عوامل اعتقادی می‌توان نام برد.¹⁸

نوعاً افرادی جذب تفکر افراطی‌گری و غالیان می‌شدند و تحت تأثیر افکار آنان قرار می‌گرفتند که یا شیعیان ساده‌دل در عین حال علاقه‌مند به اهل بیت (ع) و یا تعدادی از افرادی که به عنوان شیعیان نوظهور تلقی می‌شدند.

رهبران این گونه فرقه‌های افراطی با استفاده از عنصر تشبیه امامان خود را از حد معمول فراتر برده و به مقام الهی و ربوبی نزدیک می‌ساختند تا به این وسیله اتحاد و یکی شدن میان آن‌ها را آسان‌تر تعبیر و تفسیر کنند. این گروه، خدا را روح یا نوری متجسد می‌دانستند و از این رهگذر، امام خود را دارای روح الهی یا نور خدایی می‌پنداشتند. مسئله حلول روح خدا در امر، مبنای اعتقادات غلات به جاودانگی و رجوع دوباره امامان قرار گرفت.¹⁹

زمینه‌های پیدایش غلات در عصر امام محمدباقر(ع)

واکاوی ریشه‌ها و علل پیدایش پدیده‌ی خطرناک غلو - که عمدتاً به صورت زیاده‌گویی در حق ائمه شیعه نمود یافته - از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون شک آشنایی دقیق باریشه‌ها و علل به وجود آورنده غلو در بسیاری از موارد می‌تواند افراد را از گرفتار شدن در این دام خطرناک رهایی بخشد. از این رو، شناخت زمینه‌های به وجود آمدن این گونه افکار منفی افراطی، ضرورت بررسی این گونه مباحث را می‌طلبد. و در این نوشتار سعی شده تا به برخی از آن زمینه‌ها اشاره شود:

1. اباحه گری

دعوت کردن غالیان، پیروان خویش را به رهایی از بند عمل به فروعات فقهی و احیاناً به محرمات شرعی که در نتیجه عده‌ای به دنبال مسئولیت‌گریزی و رهایی از تقلیدات شرعی بوده تا چنین افکاری را جذب نمایند، از باب نمونه، غالیان به نقل از امام صادق (ع) بیان می‌کردند که هرکس امام را شناخت هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد. باینکه منظور امام بیان اصل مهمی بود که شیعیان به آن معتقد می‌باشند؛ یعنی معرفت سبب قبولی اعمال انسان می‌شود ولی غالیان سخن امام را به گونه‌ای دیگر تأویل کرده و به دنبال رها کردن احکام شریعت بودند.

این گونه تأویلات نادرست در عصر امروز نیز متداول است که عده‌ای به زعم توجه به اهمیت شرکت در عزاداری ائمه و اشک ریختن بر مصائب آن بزرگواران بسیاری از دستورات دینی را رها نموده و خود را مستحق آرمزش گناهان و شفاعت ائمه دانستند، در حالی که از امام سجاد (ع) رسیده که فرمودند: بهشت برای افرادی که اطاعت از خدا کردند، خلق شده است، هر چند افراد غیر هاشمی باشند. و جهنم برای معصیت کاران خلق شده هر چند آنان سید قریشی باشند.²⁰

2. حماقت و دنیا طلبی و جذب مرید

از آنجاکه عده‌ای از غلات مدعی نیابت از ائمه بوده و آنان را به مقام الوهیت می‌رساند تا خود را نبی آنان معرفی کند، این وضعیت تأثیر مهمی در پیدایش غلات داشته است که به علت رسیدن به مطامع دنیوی چگونه تفکر غلات را بوجود آورده و مردم را اغفال نموده‌اند. شاهد بر این مدعا گفتاری از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: مردم ولع بر دروغ بستن بر ما دارند... من حدیث بر آنان نقل می‌کنم و هنوز از نزد من نرفته‌اند، آن را بر غیر معنای آن تأویل می‌کنند. آن‌ها در طلب حدیث و دوستی ما طالب آن چیزی که نزد خداوند است، نیستند، بلکه در طلب دنیا طلبی خویش‌اند و به همین جهت بوده که ائمه شیعیان را به تسویه احادیث نقل شده، آشنا نموده تا بتوانند احادیث جعلی غلات را که در مجموعه‌های حدیثی شیعه پراکنده شده از روایات صحیح اهل بیت جدا کنند و در این مورد حضرت، قرآن را به عنوان ملاک معین کردند. لذا فرمودند: آنچه را که از ما روایت می‌کنند، جز آنچه موافق قول خدا و رسول بوده، یا شاهی از سخنان پیشین آن نداشته باشید، نپذیرید.²¹

3. اختلافات فرقه‌ای

وجود اختلاف نظر‌ها و برداشت‌های متفاوت از بطون و ظواهر دینی بر هیچ فردی پوشیده نیست. افراد بشری به دلایل مختلف وراثتی، اقلیمی، اجتماعی و تربیتی از دل‌بستگی‌ها و منش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های فکری متفاوتی برخوردارند و این سبب شده به‌منظور اثبات حقانیت و مشروعیت خویش در اجتماع حق و حقیقت را تنها در مذهب رهبران خویش تصور کنند. این امر، خود یکی از پیش‌زمینه‌ها و ریشه‌های غلو بوده است که پس از نبی مکرم اسلام به وجود آمده و در دوران امامان و پیشوایان بیشترین غلو صورت گرفته است.

4. تأثیر فراوان ادیان خارجی

در بررسی ریشه‌های غلو نقش مذاهب و گروه‌های خارجی در ایجاد و گسترش این پدیده انکارناپذیر است. این مسئله از صدر اسلام و حتی قبل از اسلام تاکنون به‌صورت ملموس و واضح بوده است. که برخی از غالیان تحت تأثیر برخی از فرقه‌های قبل و بعد از اسلام بوده‌اند. درمسحیت نیز عقاید غلوآمیز در مورد حضرت عیسی (ع) وجود داشته است که به اذعان برخی از پژوهشگران تأثیر و نفوذ عقاید مسیحی در شکل‌گیری تفکر غالیان به‌مراتب پررنگ‌تر و بیشتر از میراث مذهبی ایران باستان است. چنانچه در بین یهودیان زرتشتیان نیز این‌گونه انحرافات ازجمله اعتقاد به تشبیه و تجسیم وجود داشته است و در دوران اسلام به‌ویژه عصر ائمه (ع) کوفه به‌عنوان کانون عقاید غالیان بوده که با عقاید تناسخی بسیاری از شیعیان که به لحاظ اعتقادی هنوز باورهای عمیق شیعی را نیافته بودند، تحت تأثیر قرار داد.²²

5. افراط در محبت

غلو نزد برخی ناشی از عشق در حق معشوق است که در نتیجه آن فرد ناخواسته در حق معشوق خود و اوصاف و ابعاد وجودی او غلو کرده و این غلو را امری واقعی و حقیقی می‌شمارد. اساس این شیفتگی مبتنی بر (برتری معشوق از هر حیث) است و اگر عیناً؛ آن را مشاهده نکند برای او چنین تصویری می‌سازد. این حب به تعبیر روایات موجب کوری و کری انسان می‌شود. البته دوستی و محبت در صورتی که توأم با حقیقت و آگاهی و شعور باشد و صرفاً برخاسته از احساسات نباشد، افراطی نیست اما اگر غیر از این باشد، می‌تواند موجب غلو در حق پیشوایان شود.²³ تا آنجا که حضرت علی (ع) می‌فرماید: ((هر آینه، گروهی را دوست می‌دارند و به خاطر این دوستی (افراطی) اهل جهنم اند)).²⁴ امام سجاد (ع) نیز حب افراطی را سبب غلو و سرشکستگی ائمه دانسته‌اند.²⁵

عکس العمل امام باقر(ع) با جریان فکری غلات

با توجه به فعالیت های فرهنگی غلات که با سوء استفاده از روایات امامان، احادیث ساختگی غلوآمیز را در جامعه گسترش می دادند، وبه الوهیت افراد و انتقال روح از جسد مردگان به زنده ها(تناسخ) قائل بودند، برای جلوگیری از انحراف در جامعه اسلامی به ویژه در میان شیعیان همچون امامان پیش از خود و نیز امامان بعد از خود مبارزه گسترده ای با غلات داشت و حتی آنان را لعن می کرد.²⁶ در این راستا امام با غالیان به مبارزه پرداخت و از ایشان بیزاری جست و از شیعیان خواست موضعی میانه اتخاذ نمایند و شیعیان را از پذیرش آموزه های این طایفه برحذر داشت.

از این جمله باید از ابوالخطاب یاد کرد که سازماندهی نخستین گروه های باطنیه به عنوان سلف اسماعیلیه را به او نسبت داده اند و امام باقر(ع) از او تبری جسته است. غلات که خود را شیعه می خواندند، با افکار و اعمالشان باعث بدنامی شیعه می شدند و با کارهای ناشایست خود در انتظار عمومی بیشترین صدمه را به اسلام و امامان شیعه می زدند. مکتب اهل بیت و امام باقر و شاگردان دست پرورده حضرت در صف اول مبارزه با این گونه جریانات فکری مذهبی بودند.²⁷

پیدایش جریان مرجئه یا توجیه گرا

کلمه مرجئه از ارجاء به معنای تعویق و تاخیر است و مرجئه گروهی بودند که درباره گناهکاران مسلمان حکمی نمی دادند و حکم آن را به روز جزا موکول می داشتند و هیچ مسلمانی را به سبب گناهی که کرده بود، محکوم نمی کردند. اینان به آیه ای از سوره ی توبه متوسل می شدند: "و برخی دیگر آن هایی هستند که کارشان با خداست که آنان را عذاب کند و یا از گناهانشان درگذرد."²⁸

جهنم بن صفوان یکی از پیشوایان مرجئه بود که واجبات عملی اسلام را تحقیر می کرد. عقاید وی با سیاست فرهنگی امویان هم سو بود. امام باقر(ع) و سپس امام صادق (ع) به شدت با این گروه مبارزه می کردند و بر آن لعنت می فرستادند و آنان را کافر و دشمن اهل بیت می دانستند.²⁹

جنبش مرجئه حرکتی توجیه گرا بود که در زمان امام باقر(ع) در کنار گروه قدریه به رهبری حسن بصری بیانگر و مبلغ اندیشه های قدریه برای توجیه مشروعیت خلافت معاویه و امویان به تئوری سازی پرداختند. این مسئله صرفاً رنگ و بوی سیاسی نداشت بلکه سطوح دیگر جامعه را در می گرفت.

پیدایش تفکر مرجئه را می توان در جهل و سکوت مردم و عدم مخالفت نخبگان و نیز نقل احادیثی در وجوه اطاعت از خلفا به هر شکل و تثبیت پایگاه اجتماعی حکومت در میان مسلمانان جستجو نمود، از جمله آنکه خلفا را از محاسبه در محضر الهی معاف می دانستند و پیامد شکل گیری این

فرقه، ایجاد سرگردانی و تردید در مردم نسبت به آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی مستند می‌کردند و وقوع قیام‌های متعدد بر این آشفتگی و تردیدها افزوده بود. در این وضعیت امام باقر(ع) در عرصه‌ای اجابی و سلبی با تمام توان در پی مبارزه با این گونه اندیشه‌های شبهه‌آلود و سطحی بود.

تبیین روایات در زمینه‌های مختلف که امروزه بخشی از علوم و معارف اسلامی شیعه را تشکیل می‌دهند، و تربیت نخبگان و فرهیختگان به‌عنوان اقدامات اجابی و ایستادگی در مقابل جریان‌ها و اندیشه‌های منحرف در برابر جعلیات و اسرائیلیات به‌عنوان اقدامات سلبی می‌توان بیان کرد.³⁰

خوارج

خوارج گروهی مقدس مآب نادان بودند که پس از شهادت حضرت علی(ع) فتنه‌ها به پا کردند. امام باقر(ع) با آنها مناظره و گفتگو می‌کرد و آنان را رسوا می‌نمود، آن گونه با نافع بن ازرق، رهبر خوارج ازرقه، با استناد به قرآن انتخاب حکم از سوی مولای متقیان را تایید می‌نمود.³¹

اگر چه درخصوص علل پیدایش خوارج عوامل مختلفی گفته شده است. اما بر اساس دیدگاه "عرفان عبدالحمید" علل پیدایش پدیده خوارج چهارعامل بوده است:

عامل اول: نارضایتی آنان از وضعیت آن روز، چراکه آنان به جامعه‌ای آرمان‌گرا می‌اندیشیدند که عدل مطلق بر آن حکم‌فرما باشد، درحالی که پس از گسترش فتوحات و ناآرامی‌ها و توزیع نادرست ثروت اختلاف‌هایی میان مسلمانان روی می‌داد.

عامل دوم: روحیه تمرد و سرپیچی آنان از حکومت مرکزی.

عامل سوم: تعصب‌های قبیله‌ای و ناسازگاری‌های تاریخی تیره‌ها و قبائل مختلف عرب.

عامل چهارم: اعتقادات و اندیشه‌های مشترک فرقه‌های خوارج، چراکه آنان در آغاز کار یک حزب سیاسی بودند، بعدها خوارج درون‌مایه کلامی گرفتند و برای اعتقادات و اندیشه‌های خود به قرآن هم استناد می‌کردند.³²

(شهید مطهری نیز درتایید این ادعای خشکی مقدسی آنان را عامل انحراف آنان می‌داند.)³³

امامان معصوم(ع) نیز نسبت به تفکر خوارج در عصر خویش بی تفاوت نبوده و این گونه تفکرات افراطی را مورد انتقاد قرار می‌دادند. امام باقر (ع) هرچند پاسخ گوی پرسش‌های خوارج بود، ولی بالاین‌همه، از سخت‌گیری‌های خوارج که به آن شهرت داشتند، انتقاد می‌کرد. مثلاً فردی درباره جبه‌ای پرسید که از بازار خریده و نمی‌دانست پاک است یا ناپاک، حضرت فرمود: اینان از روی جهالت عرصه را بر خود تنگ گرفته‌اند حال آنکه دین ملایم‌تر و منعطف‌تر از آن است که آنان می‌شناسند.³⁴

نتیجه

از آن جا که خاندان بنی امیه همواره مشغول ظلم و ستم بودند، از این فرصت امام باقر(ع) نهایت استفاده را نموده و به گسترش معارف الهی مشغول شدند تا خلاء های دوران خفقان گذشته که دشمنان، مردم را از معارف قران و رهنمودهای اهل بیت دور نگه داشته، بلکه منع نموده اند، را پر نموده و زمینه سعادت آن ها را فراهم نمایند.

اینگونه فعالیت های داهیانه حضرت باقر العلوم (ع) هم زمان با پیدایش و ظهور و بروز عقاید و افکار مختلف شد و در نتیجه رواج افکار و نحله هایی که مردم را به سمت و سوی عقاید باطل سوق می داد. از این رو، مسئولیت امام (ع) سنگین تر شد و ضمن تبیین عقاید اصیل و صحیح شیعی به مبارزه با افکار انحرافی پرداخته و عقاید باطل آنان را مردود شمارد و در نتیجه با آگاهی دادن شیعیان به این گونه افکار و عقاید انحرافی با شیوه های مختلف و گوناگون مبارزه می کردند.

این پژوهش این نکته را نشان می دهد که عصر صادقین (ع) شباهت زیادی به عصر حاضر دارد؛ چرا که دشمنان این زمان نیز با ترفند هایی سعی بر گمراه کردن مردم دارند و بهترین راه برای نجات از این دام ها چنگ زدن به دامن همین تربیت یافتگان مکتب معصومین (ع) است.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ حسینی، زهرا سادات (1385)، مقام علمی امام باقر (ع)، مجله مبلغان، ش 88، ص 11.
- ^۲ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 3، ص 320.
- ^۳ اصفهانی، عبدالله (1386)، عراق در عصر امام باقر (ع)، مجله فرهنگی کوثر، ص 52.
- ^۴ پیشوایی، مهدی (1375)، سیمای پیشوایان در آینه تاریخ، قم، دارالعلم، ص 305-306.
- ^۵ به نقل از محرمی، تاریخ تشیع، ص 115-117.
- ^۶ ابن شهر آشوب، سروری مازندرانی، ابو جعفر بن علی، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوالقربی، ج 4، ص 211.
- ^۷ احمدی، تاریخ امامان شیعه، ص 182.
- ^۸ رسول جعفریان (1391)، گزیده حیات سیاسی امامان شیعه، قم: دفتر نشر معارف، ص 173 به نقل از کلینی، کافی، ج 8، ص 52-56.
- ^۹ صدر، حسن (1331)، الشیعه و فنون اسلام، تهران: چاپ عرفان، بی جا، ص 95.
- ^{۱۰} مریجی، شمس‌الدین، فصلنامه علمی، ترویجی علوم سیاسی، ش 50، 1389، ص 36.
- ^{۱۱} ابوحیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، جلد 2، ص 452، ص 37.
- ^{۱۲} حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 39.
- ^{۱۳} ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 1، ص 6.
- ^{۱۴} المقدسی، البدء و التاریخ، ج 3، ص 101.
- ^{۱۵} کلینی، الکافی، ج 4، ص 239، مجلسی، بحار الانوار، ج 46، ص 354.
- ^{۱۶} جعفریان، گزیده حیات سیاسی امامان شیعه، ص 182-179.
- ^{۱۷} منتظر القائم، تاریخ امامت، ص 85، حاجی‌زاده و دانش کیا، تاریخ اسلام، مجموعه مقالات امامان معصوم، ج 7، ص 148.
- ^{۱۸} حاجی‌زاده، تاریخ اسلام، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم با ایشان، ص 81.
- ^{۱۹} خضری، تشیع در تاریخ، ص 163.
- ^{۲۰} بحار الانوار، ج 46، ص 82.
- ^{۲۱} رسول جعفریان، تاریخ خلفا، ج 2، ص 637-638.
- ^{۲۲} برگرفته از مقاله "ریشه‌ها و علل پیدایش غلو در عصر ائمه"، نوشته حاجی‌زاده - صفری قروشانی - بارانی - جباری، فصلنامه علمی پژوهشی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره 12، ص 126-132.
- ^{۲۳} پیشین، ص 111-112.
- ^{۲۴} آبی عاصم، کتاب السند، ص 463.
- ^{۲۵} مفید، الارشاد، ج 2، ص 141.
- ^{۲۶} تاریخ امامت، منتظر القائم، ص 185.

- ^{۲۷} حیدری آقائی، تاریخ تشیع 1، دوره حضور امامان معصوم، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ص 230.
- ^{۲۸} قرآن کریم، سوره توبه، آیه 106.
- ^{۲۹} کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 460-459.
- ^{۳۰} احمدی، حمید، امامان شیعه، ص 182-187.
- ^{۳۱} طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ترجمه نظام الدین احمد غفاری مازندرانی، ج 3، ص 221-222.
- ^{۳۲} عبدالحمید، دراسات فی الفرق العقائد الاسلامیه، ص 85، به نقل از صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج 1، ص 320.
- ^{۳۳} مطهری، مرتضی (1378)، اسلام و مقتضیات زمان، ج 1، چاپ 15، تهران: صدرا، ص 17.
- ^{۳۴} مجلسی، بحار الانوار، ج 26، ص 291.